

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای اہل بیت علیہم السلام

دوره دوازدهم، شماره سوم

نام جزوه: سیمای اهل بیت علیهم‌السلام

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- اهل بیت، هدایت به حق می کنند..... ٨
- اهل بیت علیهم السلام صراط مستقیم هستند..... ١١
- امت میانه..... ١٤
- اهل بیت علیهم السلام، اسلام و راه امان هستند..... ١٥
- اهل بیت (علیهم السلام) ریسمان الهی اند..... ١٨
- اهل بیت علیهم السلام اهل ذکر هستند..... ٣٢
- اهل بیت (علیهم السلام) در مباحله..... ٤٠

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۵

قرآن، کتابی است که از جانب خدای تعالی بر قلب پاک رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است؛ کتابی که تمام آن حکمت و حق است و از جانب حکیم و حقّ مطلق فرود آمده است. بیانش در تمام موارد و موضوعات فضیلت و حتی سخنش در نکوهش افراد بر معیار حکمت و حق است و از هیچ طریقی، باطل به آن راه ندارد.<sup>۱</sup>

آیاتی از قرآن، طبق احادیث وارد شده از نبی گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم)، بر اهل بیت (علیهم السلام) تطبیق شده است و این تطبیق دو صورت دارد: یا انطباق به لحاظ اینست که آنها

---

۱. سوره فصلت، آیه ۴۲؛ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ».

## ۶ / سیمای اهل بیت علیهم السلام

مصدق بارز و روشن آیه هستند و یا انطباق به لحاظ وجود یک ویژگی خاص در آنهاست. به عبارت دیگر، آیه منحصر به اهل بیت است و شامل غیر آنها نمی شود.

از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «دعوت و رهبری مردم به من و به علی (علیه السلام) منتهی شد. هیچ کدام از ما بتی را نپرستیده و سجده نکرده است. به همین جهت، خداوند مرا پیامبر و علی (علیه السلام) را وصی قرار داد.»<sup>۱</sup>

---

۱. روی الجمهور عن ابن مسعود قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «فإنتهت الدعوة إلىّ وإلىّ علیّ لم يسجد أحدنا لصنم قطّ فاتخذني نبياً واتخذ علياً وصياً»؛ مناقب علی بن ابی طالب،

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۷

این که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دعوت ابراهیمی را منتهی به خود و علی (علیه السلام) دانستند گویای اینست که شرایط امامت همان گونه که در من جمع است در امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جمع است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از فضایی که شرط امامت است برخوردار میباشند. فضایی که از جمله آنها عصمت و خروج از ظلم و بت پرستی است و جمله انتهای دعوت به علی و این که او هرگز بتی را سجده و پرستش نکرده است، این

---

تألیف ابی الحسن علی بن محمد بن محمد الواسطی الجلابی ←  
→ الشافعی الشهیر بابن المغازلی، المتوفی ۴۸۳، صص ۲۷۷-  
۲۷۶، روایت ۳۲۲، طبع تهران؛ دلائل الصدق، ج ۲، ص ۱۳۹.

## ۸ / سیمای اهل بیت علیهم السلام

فضیلت را برای علی (علیه السلام) به عنوان مصداق بارز اهل بیت (علیهم السلام) به اثبات می رساند.

اهل بیت، هدایت به حق می کنند

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ و از کسانی که آفریدیم، گروهی به حق هدایت می کنند و مردم را به حق باز می گردانند (و به حق عدالت می کنند).

از ابن عباس نقل شده که گفت: «مراد از امت، امت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) یعنی علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که بعد از پیامبر به



دوره دوازدهم، شماره سوم / ۹

حق دعوت می کنند و مردم را به حق بر  
می گردانند»<sup>۱</sup>.

سید قطب در توصیف امت می گوید: «این  
امت، خود بر حق ثابت است و در هر زمان و فرصتی  
عامل به حق می باشد و نگهبان امانت خدا در زمین  
است»<sup>۲</sup>.

---

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۴؛ عن ابن عباس في قوله -عزوجل-  
«و ممن خلقنا امة... قال: یعنی من امة مَحْمَد «امة»، یعنی علی بن  
ابی طالب، «یهدون بالحق» یعنی یدعون بعدك یا محمد إلى الحق «و  
به یعدلون» في الخلافة بعدك...» در غایة المرام، صص ۴۲۸-۴۲۷،  
دو حدیث از اهل سنت، دوازده حدیث از شیعه در این مورد وارد شده  
است.

۲. تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۲۰.

مسلم است که منظور مطلق امت نیست، زیرا تمام امت که شامل همه مردم مسلمان می شود، دارای ویژگی فوق که سید قطب بیان می کنند نیستند. باید شخص یا گروهی خاص باشند که عامل به حق و پاسدار امانت الهی در زمین باشند و مناسب بود که سید قطب مصداق چنین امتی را بیان می کرد.

فخر رازی در تفسیرش این حدیث را بیان داشته که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْماً عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ!»؛ براستی از امت من گروهی بر حق هستند (و به حق هدایت می کنند) تا آن گاه که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۱۱

این حدیث، امت را اختصاص به گروهی خاص داده که بر حق هستند؛ و آنها کسانی هستند که اگر مردم به آنان چنگ بزنند و به افکار و اعمالشان روی آورند هرگز گمراه نخواهند شد. چنانکه در حدیث تقلین بیان شده است.

### اهل بیت علیهم السلام صراط مستقیم هستند

صراط مستقیم، همان راه پاکی است که هیچ رجس و پلیدی از شرک و غیره در آن نیست. راهی است که رهروان آن از گمراهی نجات یافته و سیر معنوی و انسانی دارند. راهی که فقط معبد خداست؛ و این راه، اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند؛ که عدل قرآن بوده و آیه تطهیر درباره آنان نازل شده است؛ اهل بیتی که به صراحت قرآن،

پلیدی به آنان راه ندارد و از هر رجسی پاک و منزّه هستند.

از ابن بریده و ابن عباس روایت شده است که «صراط مستقیم، محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل بیت آن حضرت هستند.»<sup>۱</sup>

از جابر بن عبدالله روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «خداوند علی و همسر و فرزندانش را حجت خود بر خلق قرار داد

---

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۵۸-۵۷؛ عن بریده فی قول الله: «إهدنا الصراط المستقیم» قال: صراط محمد و اله. کتاب الرجح المطالب، الشیخ عبیدالله الحنفی، صص ۳۱۹-۵۸؛ غایة المرام درباره این که صراط مستقیم، محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و آلش (علیهم السلام) هستند، از طریق عامه، سه حدیث و از طریق شیعه ۲۴ حدیث نقل کرده است. درص ۲۴۶ و ۲۴۷.

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۱۳

و اینان درهای علم، در میان امت من هستند. کسی که به وسیله اینها هدایت شود به صراط مستقیم هدایت شده است.»<sup>۱</sup>

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «...نحن الطريق الواضح و الصراط المستقیم الی الله...»<sup>۲</sup>؛ ما راه روشن و صراط مستقیم به سوی خدا هستیم...

---

۱. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۵۷ و ۵۸.

۲. إحقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۳- به نقل از فرائد السمطين (نوشته علامه الشیخ ابراهیم بن محمد بن ابی بکر بن حمویه الحموینی، متوفی سال ۷۲۲).

### امت میانه

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ ما شما را امت وسط قرار دادیم تا این که گواهان و حجّت بر مردم باشید.

... ابان بن عیاش از سلیم بن قیس نقل کرده که

گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: به راستی خداوند ما را در این آیه «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» قصد کرده است. پس، رسول خدا شاهد بر ماست و ما شاهدان بر مردم هستیم و حجّت او در زمین

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۱۵

می باشیم و ما آنانی هستیم که خداوند درباره ایشان فرمود: «و كذلك جعلناكم امةً وسطاً...»<sup>۱</sup>.

اهل بیت علیهم السلام، اسلام و راه امان هستند  
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً  
وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۲</sup>؛ ای  
کسانی که ایمان آوردید، همگی در سلم داخل شوید

---

۱. عن ابان بن عیاش عن سلیم بن قیس عن علی (علیه السلام) قال:  
«إن الله إيانا عنى» بقوله تعالى: «لتكونوا شهداء على الناس»  
فرسول الله شاهدٌ علينا و نحن شهداء على الناس و حجته في ارضه و  
نحن الذين قال الله جل اسمه (فيهم) «و كذلك جعلناكم امةً  
وسطاً...»؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۹۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۸.

و گامهای شیطان را متابعت نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

مراد از «سلم» اهل بیت (علیهم السلام) هستند. «سلم» به معنای امان و راه نجات است.<sup>۱</sup> سلم و تسلیم و اسلام به معنای واحد است.<sup>۲</sup> راه امان و نجات و اسلام حقیقی در ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است. پس، ای ایمان آورندگان. آن گاه تسلیم خدای متعال هستید که در اندیشه و عمل، از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) پیروی نمایید.

---

۱. معجم الفاظ القرآن (مجمع اللغة العربية) ج ۱ ص ۶۰۸ (فی

السلم) ای فی طریق الامان والنجاة.

۲. المیزان، ج ۲، ص ۱۰۳.



دوره دوازدهم، شماره سوم / ۱۷

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است  
که فرمود: «مقصود از ورود در سلم، ولایت ما اهل  
بیت است.»

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که: «سلم،  
ولایت علی (علیه السلام) و اوصیای بعد از آن  
حضرت است.»<sup>۱</sup>

---

۱. رواه القوم، منهم العلامة ابن المغازلی الشافعی فی المناقب، روی  
عن علی (علیه السلام) فی قوله تعالی: «ادخلوا فی السلم كافة» قال:  
ولایتنا اهل البیت. منهم العلامة الشیخ سلیمان البلخی القندوزی،  
المتوفی سنة ۱۲۹۳، فی ینابیع المودة ص ۲۵۰، طبع ایران، قم؛ عن  
ابی جعفر الباقر فی قوله تعالی «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم  
کافة» یعنی ولایة علی (علیه السلام) و الاوصیاء بعده. احقاق الحق،  
ج ۱۴، ص ۳۸۲.

اهل بیت (علیهم السلام) ریسمان الهی اند  
« وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا<sup>۱</sup> »؛ همگی به  
ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید.

امت اسلام باید امتی واحده باشد. به این معنا  
که همگی در جاده صحیح اسلام حرکت کنند؛ و  
آنچنانکه اسلام می گوید، بیندیشند و عمل کنند. این  
مطلبی است که مورد اتفاق تمام فرق اسلامی است.  
اما مشکل، شناخت جاده صحیح اسلام است؛ مشکل،  
فهم صحیح داشتن از اسلام است. چنگ زدن به حبل  
الله فهم درست اسلام و معرفت حقیقی اسلام است.  
اما فهم صحیح را چه کسی به امت اسلام می دهد؟

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۱۹

مسلم کسانی که صراط مستقیم، راهنما به سوی حق و حقیقت، سلم و راه امان و همتای قرآن هستند. که همانا اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می باشند.

در برخی از احادیث که راجع به ثقلین وارد شده، از قرآن به «حبل الله» تعبیر شده است؛ و اهل بیت (علیهم السلام) عدل قرآن می باشند و از این رو حبل الله نیز هستند. چنانکه احادیث و روایاتی نیز بدان تصریح دارد.

سعید بن جبیر از ابن عباس - رضی الله عنهما - نقل کرده که گفت: در محضر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودیم. شخص اعرابی وارد شد و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال کرد:

حبل الله در « **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** »  
که باید بدان چنگ بزнім چیست؟ پیامبر (صلی الله  
علیه وآله وسلم) دست مبارک خود را بر دست  
امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) زد و فرمود: به این  
چنگ بزیند که او ریسمان محکم خداست.<sup>۱</sup>

---

۱. و اخرج صاحب كتاب المناقب عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس  
(رضی الله عنهما) قال: کتّا عند النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) إذ  
جاء أعرابي فقال: یا رسول الله سمعتک تقول: و اعتصموا بحبل الله فما  
حبل الله الذي نعتصم به؟ فضرب النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)  
یده فی ید علیّ و قال «تمسکوا بهذا هو حبل الله المتین»؛ احقاق  
الحق؛ ج ۳، ص ۵۴۰.

این حدیث به طور مفصل از جمال الدین محمد بن احمد الحنفی  
الموصلی معروف به ابن حسنیوه در بحر المناقب، ص ۶۳ نقل شده  
است.

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۲۱

از امام باقر(علیه السلام) روایت شده که در تفسیر آیه «وَأَعْتَصِمُوا...» فرمود: «ما ريسان الهی هستيم».<sup>۱</sup>

«ألم تركيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها...».<sup>۱</sup>

---

۱. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۳۱، روایت ۱۸۰... عن جعفر بن محمد(علیه السلام) فی قوله: واعتصموا بحبل الله... قال: نحن حبل الله. ینابیع الموده، ص ۲۷۴، طبع ایران، قم؛ احقاق الحق، ج ۱۴، صص ۳۸۶-۳۸۴ و ج ۳، صص ۵۳۹ و ۵۴۰ و ج ۱۸ صص ۵۴۱ و ۵۳۵. امام شافعی در تفسیر آیه «وَأَعْتَصِمُوا» شعری سروده است:

ولمّا رأيت الناس قد ذهب بهم  
مذاهبهم في أبحر الغى و الجهل  
ركبتُ على اسم الله في سفن النجا  
و هم اهل بيت المصطفى خاتم الرسل  
و أمسكت حبل الله و هو ولاء هم  
كما قد أمرنا بالتمسك بالحبل  
احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۳۹.

آیا نمی‌نگری که خداوند چگونه مثل زده و فرموده است که کلمه طیب و پاک مثل درخت طیب است که اصلش ثابت و فرع آن در آسمان است...  
عبدالرحمن بن عوف می‌گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که فرمود: «درخت، من هستم و فاطمه (علیها السلام) فرع آن؛ و علی (علیه السلام) بارور کننده آن و حسن و حسین (علیهما السلام) میوه آن و پیروان ما برگهای آن می باشند و ریشه درخت در بهشت عدن و باقی مانده آن در بقیه بهشت هاست.»<sup>۲</sup>

---

۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۵ و ۲۴.

۲. عن مینا مولی عبدالرحمن بن عوف، عن ابیه یقول: سمعت عبدالرحمن بن عوف یقول: خذوا منی حدیثاً قبل أن تشاب الاحادیث

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۲۳

سلام الختمعی می‌گوید: بر امام باقر(علیه السلام) وارد شدم؛ و از آن حضرت، از «اصلها ثابت و فرعها فی السماء» سؤال کردم، فرمود: ای سلام! شجره محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) است و فرع، علی امیرالمؤمنین(علیه السلام) و میوه، حسن و حسین(علیهما السلام) و شاخه، فاطمه(علیها السلام) است و شعب این شاخه، ائمه از فرزندان فاطمه(علیها السلام) هستند و ورق و برگ آن، شیعیان ما و دوستان ما اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. آن هنگام که

---

بالباطیل. سمعت رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) يقول: «انا الشجرة و فاطمة فرعها و علی لقاحها و حسن و حسین ثمرها و شیعتنا ورقها و أصل الشجرة فی جنة عدن و سائر ذلك فی سائر الجنة»؛ شواهد التنزل، ج ۱، ص ۳۱۲.

فردی از پیروان ما می‌میرد، برگ‌های آن درخت ساقط می‌شود و آن هنگام که از محبین ما فرزندی متولد می‌شود، مکان آن برگ، برگ‌های سبز می‌شود.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)! پس معنای «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» چیست؟

فرمود: «منظور، ائمه (علیهم السلام) هستند که شیعیان خویش را در هر حج و عمره به حلال و حرام آگاه می‌کنند.»<sup>۱</sup>

اسلام بر بنیان توحید و خداپرستی گذاشته شده است و این همان اصل ثابتی است که اساس دعوت

---

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.



دوره دوازدهم، شماره سوم / ۲۵

پیامبران(علیهم السلام) و دعوت رسول گرامی اسلام،  
حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) را تشکیل  
می دهد.

اصل وحدانیت اصلی ثابت بوده و هرگز زایل  
نمی شود. رسالت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) بر  
این اصل ثابت نهاده شده است و درختی که بر چنین  
ریشه ای ثابت و استوار باشد. محکوم زمان و مکان و  
تحولات نمی شود. آنانی که به رسالت پیامبر — که  
دارای عنوان شجره طیبه است، پناه می آورند— وقتی  
خواهند توانست در پناه آن به مقام آرامش و اطمینان  
راه یابند و از این شجره پاک استفاده عالی بکنند که  
به شاخه های آن بیاویزند و خود برگی از آن  
شاخه ها شوند؛ و شاخه های رسالت، همان ولایت

## ۲۶ / سیمای اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت (علیهم السلام) است و برگ همیشه بر شاخه و فرع قرار دارد و اگر ما فرع را از شجره جدا کنیم، درخت بدون فرع و شاخه، نه برگی خواهد داشت و نه میوه ای.

آیه فوق، بر این نکته بسیار مهم تکیه دارد که ولایت از رسالت جدانیست و بدون ولایت به رسالت نمی توان راه پیدا کرد؛ و در واقع، جدا شدن از فرع، نه تنها جدا شدن از شجره است، که جدا شدن از ریشه و اصل ثابت یعنی توحید و وحدانیت می باشد.

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۲۷

«وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ»<sup>۱</sup>.

به راستی که من بسیار آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد.

از ابی ذر نقل شده است که درباره آیه «إِنِّي لَغَفَّارٌ...» گفت: منظور از «لَمَن آمَنَ...» ایمان به آنچه پیامبر عظیم الشان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) آورده و نیز انجام واجبات می باشد؛ و در مورد «ثُمَّ اهْتَدَىٰ» می فرماید: راه و هدایت به دوستی

آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) پیدا کند (وارد شود).<sup>۱</sup>

---

۱. عن ابی ذر فی قوله تعالی: «وإنی لغفار...» الایه، قال: لمن امن بما جاء به محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و أدّی الفرائض «ثم اهتدی» قال: إهتدی قال: إهتدی إلى حب ال محمد (صلی الله علیه وآله وسلم).

شواهد التنزیل، للحافظ الحسکانی، ج ۱، ص ۳۷۷. نیز در احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۴۰۵، بیاناتی در این مورد از عون بن ابی جحیفه عن أبیه و ثابت البنانی ذکر شده است.

جمال الدین محمد بن یوسف الزرنندی الحنفی فی «نظم درر السمطین»، ص ۸۶، طبع مطبعة القضاء، روی عن ثابت بن البنانی فی قوله -عزوجل- «وإنی لغفار لمن تاب... ثم اهتدی» الی ولایة اهل بیته (صلی الله علیه وآله وسلم) قال: و کذا جاء عن ابی جعفر إنه قال: «ثم اهتدی إلى ولایتنا اهل البيت».

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۲۹

امام باقر(علیه السلام) راجع به آیه فوق فرمود:  
«ثم اهتدی» یعنی، به ولایت ما اهل بیت هدایت  
یابد.<sup>۱</sup>

امام باقر(علیه السلام) همچنین می فرماید:  
رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) روزی از منزل  
خارج شدند درحالی که آیه «إني لغفار... ثم اهتدی»  
را قرائت می کردند، سپس به علی بن ابی طالب(علیه  
السلام) فرمودند: «هدایت با ولایت تو است.»<sup>۲</sup>

---

۱. عن جابر، عن ابی جعفر(علیه السلام) فی قوله تعالی: «وانی لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحاً ثم اهتدی» قال: «إلی ولایتنا اهل البیت.»

۲. عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر(علیه السلام)، عن ابیه، عن جده قال: خرج رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) ذات یوم، فقال: «إن الله تعالی یقول: و انی لغفار لمن تاب و امن و عمل صالحاً ثم

علامه بزرگوار طباطبایی در تفسیر پر ارزش

المیزان می فرماید:

«مراد از ولایت در حدیث، ولایت امر مردم در دین و دنیایشان است. و این ولایت همان مرجعیت در گرفتن معارف دین و قوانین دینی و در اداره امور اجتماع می باشد؛ و بر اساس نص قرآن در امثال این آیه مبارکه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» این ولایت برای شخص رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است؛ سپس برای اهل بیت و عترت آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم)، قرار داده شده

---

اهتدی»؛ ثم قال لعلی بن ابی طالب: «إلی ولایتک»؛ شواهد التنزیل،

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۳۱

است مثل آیه ولایت، حدیث متواتر ثقلین، حدیث منزلت و نظائر این دو.

و آیه هر چند در میان آیاتی واقع شده است که بنی اسرائیل را مخاطب قرار داده و ظاهر آیات چنین است، لکن آیه مقید به چیزی نیست که آن را اختصاص به بنی اسرائیل بدهد؛ و مانع جریانش در غیر آنها باشد. پس آیه در غیر اینها جاری است، آنچنانکه در مورد اینها جاری است.

اما جریان آیه در مورد بنی اسرائیل بدان جهت است که برای موسی (علیه السلام) امامتی از سنخ این ولایت که برای غیر او از انبیا وجود داشته، ثابت بوده است. پس، بر امت اوست که به او هدایت یابند و تحت ولایت او داخل شوند.

و اما جریان آیه در غیر بنی اسرائیل بدان جهت است که آیه عام بوده و اختصاص به گروهی دون گروه دیگر ندارد. پس این آیه مردم را به ولایت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمان حیات آن حضرت دعوت می کند. و بعد از ایشان به ولایت ائمه از اهل بیت و عترت او (علیهم السلام) هدایت می کند...<sup>۱</sup>

اهل بیت علیهم السلام اهل ذکر هستند

«فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>

جابر بن عبدالله گفت: علی بن ابی طالب (علیه

السلام) فرمود: «ما اهل ذکر هستیم»<sup>۱</sup>

---

۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۲۱۵.

۲. سوره نحل، آیه ۴۳.



دوره دوازدهم، شماره سوم / ۳۳

جابر جعفی گفت: وقتی که آیه «فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ...» نازل شد، علی (علیه السلام) فرمود: «ما اهل ذکر هستیم».

باید دانست که مکرر در قرآن کریم، ذکر بر خود قرآن نیز اطلاق شده است.<sup>۲</sup> بنابراین، مصداق اهل ذکر در این امت، اهل قرآن است. بخصوص با قرینه ذیل آیه شریفه در سوره نحل: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» و لذا، از این آیه ظاهر است که اهل ذکر، اهل قرآن

---

۱. أخرج الثعلبی عن جابر بن عبد الله قال: قال علی بن ابی طالب (علیه السلام): نحن اهل الذکر ینابیع الموده، ص ۱۱۹.

۲. آل عمران، ۵۸؛ حجر، ۶ و ۹؛ نحل، ۴۴؛ انبیا، ۵۰؛ یس، ۱۱ و ۶۹؛ ص، ۸ و ۸۷؛ فصلت، ۴۱؛ زخرف، ۵؛ قلم، ۵۱ و...

## ۳۴ / سیمای اهل بیت علیهم السلام

هستند؛ و اهل قرآن همان افرادی می باشند که حدیث ثقلین آنها را عدل قرآن قرار داده است و هم آنان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند. که در سوره طلاق آیه ۱۰، ذکر بر آن بزرگوار علی الظاهر اطلاق شده است و بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آنها مرجع سؤال مردمند. پاسخ مطمئن و تضمین شده را که مطابق با وحی باشد آنها به مردم می دهند.

اهل ذکر در این آیه شامل تمام مسلمانان نمی شود، زیرا مسؤول عنه کسی است که عالم و عارف به قرآن و سنت باشد و تمام مسلمانان، عالم به معارف الهی و احکام دینی و آشنا به قرآن نیستند. به همین جهت، اهل ذکر در آیه کسانی هستند که در

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۳۵

حدیث ثقلین از آنها به عترت و اهل بیت تعبیر شده و عدل قرآن می باشند و لذا اشخاص در گرفتن دین از اینها هدایت خواهند شد و هرگز گمراه نخواهند گشت.

حرث گفت: از علی (علیه السلام) پیرامون این آیه سؤال کردم، فرمود: «به خدا سوگند، به راستی ما اهل ذکر هستیم، ما اهل علم هستیم، ما معدن تأویل و تنزیل هستیم. به حقیقت از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: من شهر علمم و علی در آن است. پس، کسی که خواهان علم است، باید از در آن وارد شود».<sup>۱</sup>

---

۱. عَنْ الْحَرِثِ: قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيًّا عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ...» قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ وَنَحْنُ مَعْدَنُ التَّأْوِيلِ وَ

تمسک آدم (علیه السلام) به اهل بیت (علیهم)

(السلام)

«فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup>.

آدم (علیه السلام) کلماتی را از پروردگارش دریافت نمود. (و به آن کلمات از خدا طلب بخشش نموده) پس، خداوند بر آدم بازگشت فرمود (و توبه او را پذیرفت). از سعید بن جبیر، از عبدالله بن عباس چنین رسیده که گفت: از پیامبر (صلی الله علیه وآله

---

التنزیل. و لقد سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) يقول:

«انا مدينة العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأته من بابها»؛ شواهد

التنزیل، ج ۱، ص ۳۳۴.

۱. بقره، آیه ۳۷.

وسلم) در مورد این آیه سؤال شد، حضرت(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: آدم(علیه السلام) خداوند را به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) سؤال کرد که خدا او را مورد توجه قرار دهد. پس، خداوند به او بازگشت (و او را مورد توجه و رحمت خویش قرار داد).<sup>۱</sup>

ابن عباس، از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده است که فرمود: «آن گاه که خداوند آدم را امر کرد از بهشت خارج شود، آدم روی به آسمان

---

۱... عن سعید بن جبیر، عن عبد الله بن عباس، قال: سئل النبي(صلی الله علیه وآله وسلم) عن الكلمات التي تلقى ادم من ربه فتاب عليه، قال: سأله «بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين الآتبت علی» فتاب عليه. مناقب علی بن ابی طالب، لابن المغازلی، ص ۶۳؛  
ینابیع المودة، صص ۹۷.

کرد، برطرف راست عرش ۵ شیخ دید، گفت: خدایا! آیا پیش از من کسی را آفریدی؟ خداوند به وی وحی کرد: آیا آن پنج شیخ را دیدی؟ گفت: بلی. فرمود: «اینان برگزیدگانی از نور من هستند، نام ایشان را از نام خودم برگرفتم. پس من خدای محمود و ستایش شده هستم و این محمد است. من بلند مرتبه و عالی هستم و این علی است. من فاطر و آفریننده هستم و این فاطمه است. من محسن و احسان کننده هستم و این حسن است. برای من اسمای حسنایی است و این حسین است.» آدم گفت: «پس، به حق آنان مرا ببخشای» خداوند به وی وحی فرمود که بر راستی ترا بخشیدم. و این همان کلماتی است که بر

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۳۹

اساس آن خدای تعالی فرمود: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ  
كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup>.

---

۱... عن ابن عباس (رض) عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): «لما امر الله ادم بالخروج من الجنة رفع طرفه نحو السماء فرأى خمسة أشباح على يمين العرش فقال: الهى خلقت خلقاً من قبلى؟ فأوحى الله إليه أما تنظر إلى هذه الاشباح؟ قال: بلى قال: هؤلاء الصفوة من نورى اشتفت اسماء هم من اسمى: فانا لله المحمود وهذا محمد وانا العالى وهذا على وانا الفاطر وهذه فاطمه؛ وانا المحسن وهذا حسن؛ ولى الاسماء الحسنى وهذا الحسين؛ فقال آدم: «فبحقهم اغفرلى» فأوحى الله إليه قد غفرت و هي الكلمات التي قال الله تعالى: «فتلقى ادم من ربه كلمات فتاب عليه». احقاق الحق، ج ۹، ص ۱۰۴ و در ينابيع الموده، ص ۹۷ شبيه به اين حديث وارد شده است.

اهل بیت (علیهم السلام) در مباحله  
«...فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نساءنا و نساءكم  
و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على  
الكاذبين»<sup>۱</sup>.

آیه فوق «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا...» مربوط به جریان  
مباحله است که بین رسول خدا(صلی الله علیه و آله  
وسلم) و نصارای نجران واقع شده است.  
و آن گاه که نصارای نجران پیشنهاد مباحله را به  
رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) دادند، رسول  
خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) پاسخ داد: «با شما با  
بهترین افراد اهل زمین و با گرامی ترین اشخاص در  
نزد خدا مباحله می کنم.» و رسول خدا(صلی الله علیه

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۱.



دوره دوازدهم، شماره سوم / ۴۱

وآله وسلم) نصارای نجران را به مباحله دعوت کردند؛ و سپس علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را برای شرکت در مباحله فرا خواندند. پس نصارا قدرت بر مباحله پیدا نکردند، زیرا به باطل بودن مذهب خود عالم بودند و لذا برای باقی ماندن در دین خود حاضر به جزیه دادن شدند.»<sup>۱</sup>

و چنین آمده است که نصارای نجران پس از امتناع گفتند: این چهره هایی که می بینیم — مقصود اهل بیت (علیهم السلام) هستند. اگر خدا را قسم بر نابودی کوه بدهند، کوه نیست و نابود می شود.

و از ابی ریحاح مولی ام سلمه روایت شده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

---

۱. احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

«اگر خداوند عالم، بندگانی گرامی تر از علی و فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) داشت، مرا امر می فرمود تا با آنها با اهل نجران مباحله کنم؛ ولی مرا امر فرمود که با آنها اقدام به مباحله کنم و اینان بهترین بندگان خدا هستند. پس، به واسطه اینها بر نصارای نجران غالب شدم.»<sup>۱</sup>

ابن سعید خدری گفت: وقتی آیه «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا...» نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله

دوره دوازدهم، شماره سوم / ۴۳

وسلم) با علی و فاطمه و حسن و حسین (برای مباحله) خارج شدند<sup>۱</sup>.

آیه فوق در مورد مباحله پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) با نصارای نجران به سرپرستی عاقب و سید نازل شد که پس از حضور حضرت با اهل بیت(علیهم السلام) قادر به مباحله نشدند.

عامر بن سعد از پدرش نقل کرده که گفت: وقتی که آیه «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا...» نازل شد، رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)، امیرالمؤمنین، فاطمه،

---

۱.. عن ابی سعید الخدری، لما نزلت هذه الاية «تعالوا...» قال: فخرج رسول الله بعلی و فاطمة و الحسن و الحسين. (احقاق الحق، ج ۱۴ ص ۱۳۴).

حسن و حسین (علیهم السلام) را (به نزد خویش)  
خوانده و فرمودند: «خدایا اینها اهل من هستند.»<sup>۱</sup>

پایان

---

۱. عن عامر بن سعد، عن ابيه قال: لما نزلت هذه الآية، دعا رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) علياً وفاطمة و حسناً و حسيناً، فقال: «اللهم هؤلاء اهلي»؛ احقاق الحق، ج ۱۴، صص ۱۴۸-۱۳۱؛  
شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۲۴.